یادداشت

به آسیب‌های اجتماعی چگونه نگاه کنیم

■ عباس دیلمی زاده
کارشناس آسیب‌های اجتماعی

موضوع آسیب‌های اجتماعی در جامعه ما با دو نگرش متفاوت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، یک نگرش ایدئولوژیک که آن را یک آسیب جدی می‌بیند، با معیار اخلاقیات می‌سنجد و قصد دارد با همان نوع نگاه، آن رفتار غیر اخلاقی را ازجامعه حذف کند و نگرش دوم که آسیب اجتماعی را به عنوان یک بیماری اجتماعی، بهداشتی و روانی می‌بیند. در این نوع نگرش، شکل مواجهه با آسیب هم بیمارنگرانه است و فرد به‌دنبال راه حل درمان و پیشگیری برای آن است. اما تقابل بین این دو نگرش در جامعه ما از گذشته تا به امروز وجود داشته است و درحال حاضر به بالاترین حد خود رسیده و آماده یک جنگ تمام عیار بین این دو نگرش چه در سطح سیاستگذاران و چه در سطح جامعه و کنشگران اجتماعی است.

واقعه هرندی یکی از مثال‌های این تقابل بین گروهی است، به‌طوری‌که می‌بینید همان روز عده‌ای برای آتش زدن وسایل کارتن خواب‌ها بسیج می‌شوند و شب هنگام عده‌ای دیگر با بردن غذا و وسایل پانسمان برای التیام و کمک به معتادان جمع می‌شوند. سؤال اینجاست آیا این تقابل به نفع جامعه است یا به ضرر آن؟! اگر بخواهیم پدیده به‌وجود آمده را ازگذشته تا به امروز تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم این تقابل نه تنها در سطح ادبیات شفاهی بین کنشگران اجتماعی وجود داشته که در بین تصمیم گیران و سیاستگذاران هم نمود عینی پیدا می‌کند.

برای مثال یکی از نمایندگان مجلس در گذشته‌ای نه چندان دور در اختیار نگذاشتن مواد به معتادان را به عنوان یک راهکار برون رفت از مشکل آسیب‌ها پیشنهاد داده و نماینده‌ای دیگر جمع‌آوری و درمان اجباری برای معتادان را به عنوان راه حل ارائه می‌دهد، البته اگر نگاهی به قوانین این حوزه هم بیندازیم، متوجه می‌شویم که گاهی تضاد بین چند قانون، طرفداران اجرایی و عملیاتی کردن برنامه قانونی را در یکی از دو قانون به خود جذب می‌کند. به‌طور مثال کافی است نگاهی به قانون ماده ۱۵ و ۱۶ مبارزه با مواد مخدر بیندازید، هر کدام از این دو قانون طرفداران و طیف‌های مختلفی را به خود جذب کرده است، به طوری‌که می‌بینیم در ماه‌های گذشته افراد و گروه‌های مختلف، اجرای یکی از این دو شیوه را به عنوان راه حل پیشنهاد داده‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد که ما در حوزه آسیب‌های اجتماعی، دکترین و برنامه دقیقی طی دهه‌های گذشته برای حل مشکل آسیب‌ها نداشته ایم. از طرفی در سال‌های اخیر تحریم‌های اقتصادی و سیاسی موجب شده سرعت افزایش مشکلات و آسیب‌های اجتماعی افزایش یابد.

متأسفانه تحریم‌ها، مشکلات ناشی از آسیب‌های اجتماعی را به علت کاهش درآمد و افزایش قیمت‌ها به بار آورده است، چون هر یک از این دو مؤلفه می‌تواند افزایش فقر و آسیب‌های اجتماعی را به‌دنبال داشته باشد، درحالی‌که هر یک ازاین مدل‌ها، خاستگاه آنها و راه حل هایی که پیشنهاد می‌دهند، مقداری سود و ضرر برای هر یک ازاین دو طیف به بار خواهد آورد. وقت آن رسیده که بر پایه عقل و تدبیر، راه حل مناسبی برای به تعادل رسیدن تصمیم گیری‌ها و برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد و البته پایه رسیدن به این تعادل و یافتن راهکارهای دقیق و مؤثر جز با تصمیم‌گیری عاقلانه و مدبرانه میسر نخواهد شد، درحالی‌که ما در آینده دوران پسا تحریم را پیش روی خود خواهیم داشت و توسعه صنعتی و سرعت بخشیدن به توسعه برای جبران مشکلات پیش روی ماست چنانچه از امروز یک برنامه همه جانبه با همکاری همه مدل‌های فکری و براساس برنامه‌های مبتنی بر شواهد علمی و کارشناسی نداشته باشیم، در آینده‌ای نه چندان دور گره‌های کور مشکلات آسیب‌ها همچنان کورتر خواهد شد.

■ ساماندهی آسیب‌های اجتماعی هم‌اکنون برعهده چه سازمانی است؟ به نظر می‌رسد در این زمینه هر نهادی به فراخور اتفاقی که رسانه‌ای می‌شود وارد میدان شده و بعد از خوابیدن سر و صداها هم دوباره روز از نو روزی از نو...

تجربه به من نشان داده است که مسائل اجتماعی با یک سازمان یا گروهی خاص که مسئولیت نه چندان زیاد و همه جانبه‌ای ندارد، قابل حل نیست، چون ما درباره پدیده‌هایی صحبت می‌کنیم که پیچیده، متغیر و وسیع هستند وهرچند وقت یک بار باید بازنگری شده و درباره آنها دوباره تصمیم‌سازی شود. هم‌اکنون وزارت رفاه در این زمینه مسئولیت‌هایی دارد، اما تا زمانی‌که دیگر سازمان‌ها در کنار هم قرار نگیرند، نمی‌توانیم به نتایج دلخواه و مورد نظر برسیم چون حساسیت کار بالاست.

■ این حساسیت باعث نمی‌شود سازمان‌هایی که به نوعی متولی شناخته می‌شوند، از خودشان سلب مسئولیت کنند؟

در جلساتی وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مربوطه مشخص و تقسیم می‌شود، به‌هرحال هر سازمانی که مسئولیت دارد، سعی می‌کند مداخلات خود را کاهش داده یا محدود کند، چون بالاخره این نگرانی وجود دارد که آن عملکرد یا اقدام یا حتی خود آن سازمان به چالش کشیده شود، پس نیازمند یک کارجمعی هستیم و باید وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی، شهرداری، نیروی انتظامی و سازمان‌های مردم نهاد در کنار هم قرار گیرند. در هر صورت بخشی از امکانات فیزیکی شهر در اختیار شهرداری است و ما نیازمند مداخله این سازمان هستیم، از طرفی بخشی از سیاستگذاری‌ها و قوانین برای سازمان دیگر مسئولیت ایجاد می‌کند که بدون حضور آن سازمان نمی‌توان کاری از پیش برد. همین‌طور امکانات مالی و بودجه‌ای که مسئولیت سازمان دیگری است، به اعتقاد من تا وقتی همه این سازمان‌ها همسو نباشند، اتفاق ویژه‌ای در این حوزه نخواهد افتاد.

■ پس تا الان این همسویی وجود نداشته است؟

خب در این مدت با توجه به اتفاق‌هایی که در محله هرندی افتاد، می‌توان گفت چند سازمان به‌دنبال اجتماعی به آنها نقش داد یا نقش امروزشان را پررنگ‌تر کرد.

■ برای اینکه بتوانیم در زمینه مداخلات اجتماعی موفق‌تر ظاهر شویم، چه باید بکنیم؟

برای هر اقدامی باید در درجه اول یک تشخیص مناسب انجام داد و بعد از آن به سراغ یک ارزیابی جامع رفت تا اقدامات مورد نظر ارزشیابی شود. در این ارزشیابی باید نقاط مثبت و منفی دیده شود. برای مثال ما بدانیم چگونه از نقطه A حرکت کرده و به هدفمان یعنی نقطه B برسیم و نکته مهم‌تر اینکه در این مسیر چگونه خودمان را تقویت و اصلاح کنیم. خب وقتی این اتفاق نیفتاد، فشار مسائل ما را عجولانه و بدون تحقیق و مطالعه جلو می‌برد و مثل اتفاقی که هفته گذشته در پارک هرندی افتاد، مردم محل که از نظر روحی و عاطفی خسته شده‌اند، خودشان دست به اقدام فیزیکی می‌زنند. درحالی‌که اگر مسئولان زودتر از اینها اقدام کرده بودند، این اتفاق نمی‌افتاد.

■ به نظر می‌رسد گاهی مردم جلوتر از مسئولان حرکت می‌کنند؟

بله، بسیاری اوقات نهادهای سیاستگذار از مردم عقب می‌افتند و موجب می‌شوند آنها خودشان رأساً وارد شوند. چند سال است که مردم محله هرندی تقاضای ساماندهی محله‌شان را دارند، اما وقتی این اتفاق نمی‌افتد، خودشان دست به‌کار می‌شوند.

گفت‌وگوی «ایران» با لیلا ارشد، درباره هجوم جمعی به کارتن‌خواب‌های «هرندی»

نهادها مداخله نکنند اتفاق بدتری می‌افتد

■ حمیده امینی فرد

بحث‌ها درباره «کارتن خوابی» و «اعتیاد» از آن زمان بالا گرفت که پارک «شوش» یک پله بالاتر از همه پارک‌ها صدر نشین اخبار تلخ رسانه‌ها شد، زمانی‌که مشکلات محله شوش از «اعتیاد» و «کارتن خوابی» پیشی گرفت و به معضلات جدیدتر همچون «خرید و فروش نوزادان» و «تن فروشی زنان معتادی که سالی یک‌بار نوزادی مبتلا به ایدز و انواع و اقسام بیماری‌ها به دنیا می‌آورند»، پیوند خورد. پیش از آن هم البته برخی انتقادات و صداهای اعتراض آمیزی، «خاک سفید»، «هرندی»، «دروازه غار» و خیابان‌های منتهی به «شوش» را در فهرست آسیب‌های اجتماعی قرار داده بود، اما تا همین چند ماه پیش کسی نمی‌دانست که مشکلات یک محله ناامن بیشتر ازاعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر است، حالا همان صداهای اعتراض‌آمیز به گلایه‌های تند کسانی تبدیل شده که از همین محله‌های نا امن، خبرهای تأسف آورتر بیرون می‌دهند؛ خبرهای تهوع‌آوری ازشیوع «اسهال خونی در کارتن خواب‌های هرندی» تا «گدایی با کودکی که سه روز از فوتش گذشته است»... با این حال همچنان معلوم نیست چه کسی متولی واقعی همه این نابسامانی‌های تلخ اجتماعی است. قانون، وظیفه جمع‌آوری را به نیروی انتظامی، ساماندهی را به شهرداری و غربالگری را به سازمان بهزیستی واگذار کرده، اما همچنان برای ساماندهی آسیب‌های اجتماعی نگرانی‌های زیادی وجود دارد. به گفته برخی کارشناسان، سازمان‌های ورودکننده از یک جایی به بعد موضوع را لاینحل به حال خود رها می‌کنند و به گفته برخی دیگر، سازمانی که وظیفه حل نهایی این معضلات را برعهده دارد از نظر بودجه و اعتبار در مضیقه است. البته برخی کارشناسان همچون فاطمه دانشور، عضو شورای شهر تهران هم معتقدند برخی نهادها همچون شهرداری تهران که حالا بیش از دیگر نهادها در صف ساماندهی آسیب‌های اجتماعی کلانشهر تهران ایستاده، عجولانه و فاقد مشارکت‌های مردمی عمل می‌کند و همین مسأله، حرکت‌های خودجوش مردم برای سالم‌سازی شخصی محله‌ها را به‌دنبال داشته است. اینکه چه کسی متولی اصلی ساماندهی آسیب‌های اجتماعی است و نقش نهادهای مردمی در این ساماندهی‌ها چقدر است، موضوع گفت‌وگوی ما با لیلا ارشد، مددکار اجتماعی و مدیر عامل مرکز نگهداری زنان آسیب‌دیده اعتیاد «خانه خورشید» است، کسی که سال‌ها در نقش یک کارشناس در یک سازمان مردم نهاد از نزدیک در دل ماجراهای پیچیده آسیب‌ها قرار داشته است.

■ جالب اینکه این اتفاق زمانی افتاد که پارک شوش و سایر مکان‌هایی که پیش از این پاتوق کارتن خواب‌ها و معتادان بود از سوی نیروی انتظامی خالی شده بود و همه کارتن خواب‌ها در پارک حقانی جا داده شده بودند و به نظر می‌رسید اهالی هم از این حرکت رضایت ندارند؟

خالی شدن پارک شوش موجب شد کارتن خواب‌ها به سمت پارک هرندی و کوچه‌های اطراف هجوم بیاورند و در عمل در جای دیگری تأثیر خودش را نشان داد. ببینید اتفاقی که در شوش افتاد، یک حرکت پیش‌بینی نشده بود، وقتی معتادان در چند پارک جمع می‌شوند، مشکلات دیگری هم به وجود می‌آید. همین انجمن حمایت از کودکان بود، چرا؟ چون این گروه‌ها در دل جامعه هستند و از بیشتر مشکلات پیرامون اطلاع دارند. پس باید در مداخلات بعد یکسری گروه‌ها با اقدام‌های حساب نشده مثل حمایت‌های غذایی دلسوزانه بویژه در زمان‌هایی که هوا رو به سردی می‌رود، موجب می‌شوند تا تبعاتِ دیگری هم ایجاد شود.

■ مثلاً چه تبعاتی؟

اقدام‌هایی که این گروه‌ها انجام می‌دهند اگرچه از روی نگرانی است، اما شخصی بوده و فاقد تشکیلات سازماندهی شده است، یکی از تبعات آن هم سرازیر شدن عده زیادی به این منطقه برای دریافت این حمایت هاست. خب طبیعی است که جمعیت زیادی که اغلب‌شان هم حامل ویروس‌ها و بیماری‌های مختلفی هستند، از نقاط مختلف به این منطقه هجوم بیاورند. طبیعتاً وقتی اینها دورهم جمع شوند، شروع به مصرف می‌کنند و مشکلات دیگری هم به وجود می‌آید. ممکن است حتی بیماری انتقال پیدا کند و در کمترین حالت چهره محل را نازیبا کنند. بسیاری از آنها با وجود نزدیکی دستشویی‌ها به پارک، اما از ترس دزدیده نشدن اموال شان، در کنار چادرهایشان اجابت مزاج می‌کردند که بوی تعفن اسهال خونی وضعیت تهوع‌آوری را در بیشتر مواقع به وجود می‌آورد، البته نمی‌توان این افراد را مقصر این امر دانست. باید پیش از این اقدام‌ها حمایتی از سوی نهادهایی که موظف هستند انجام می‌شده که نشده است. نهادهای مسئول و اجرایی اگر درست به وظیفه‌شان عمل می‌کردند، این اتفاق نمی‌افتاد.

■ مهم‌ترین نقطه ضعف نهادهای حمایتی را در چه چیزی می‌بینید؟

در تأخیر زیادشان در ورود به مسائل اجتماعی. بیشتر آنها متأسفانه زمانی وارد حوزه‌ای می‌شوند که برنامه‌ها و اقداماتشان مناسب حال و روز آن افراد نیست، درحالی‌که اگر مداخله درست انجام نشود باید منتظر اتفاق‌های غیر منتظره زیادی مثل همین حرکت‌های مردمی در بیرون راندن کارتن خواب‌ها از پارک هرندی بود.

■ گاهی، اما این خلأهای قانونی است که مسیر حرکت مداخله را کند می‌کند، بویژه زمانی‌که نهادی می‌خواهد وارد عمل شود، اما اختیارات قانونی لازم را ندارد و این درحالی است که نهادی هم که اختیارات قانونی لازم را دارد، بودجه و اعتبار کافی ندارد؟ در این زمینه چه باید کرد؟

شما به نکته درستی اشاره کردید، متأسفانه زنان و کودکان در این زمینه آسیب‌های جدی می‌بینند، درحالی‌که ما قوانین حمایتی به اندازه کافی نداریم تا مددکار اجتماعی براحتی و با سرعت کودک در شرایط دشوار را به بهزیستی بسپارد، مددکار اجتماعی برای ورود به منزل نیازمند حکم قضایی است و دریافت حکم قضایی هم زمان زیادی می‌خواهد که در این مدت آن کودک فروخته، دزدیده یا فراری داده می‌شود. از طرفی بهزیستی و سایر مؤسسات برای نگهداری و درمان معتادان محدودیت‌های بسیاری دارند و ظرفیت‌سازی کافی انجام نشده است. بنابراین مجلس باید ورود جدی داشته باشد تا قوانین موجود اصلاح شود، مثل قانون حمایت از کودکان که الان چند سالی است در صف ورود به صحن علنی مجلس منتظر مانده است. من سؤال می‌کنم ما از فرزندانمان چه چیز مهم تری داریم که به صحن علنی بیاید؟! متأسفانه الان طبق آنچه متخصصان دولتی اعلام می‌کنند، سن زنان برای مصرف پایین آمده و حالا مسأله اعتیاد زنان به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است که باید به آن توجه کرد.

■ آیا ما در این مسیر به تجربیات گذشته خودمان یا حتی سایر کشورهایی که وضعیت مشابه ما داشته‌اند، توجه کرده ایم؟

بسیار کم، در حالی‌که ما باید به تجربیات گذشته خودمان رجوع کنیم و نقاط مثبت و منفی را بیرون بکشیم و البته همین کار را درباره تجربیات موفق و ناموفق سایر کشورها هم انجام دهیم. بعد همه این تجربیات را در کنار نظر متخصصانی که سال‌ها در این زمینه پژوهش کرده‌اند، قرار بدهیم. الان وقتی اقدامی انجام می‌شود، آن‌طور که باید نسبت به عواقبش اطلاعات کافی وجود ندارد، درحالی که بررسی مسائل اجتماعی با توجه به پیشینه‌ای که داشته می‌تواند از بسیاری از خطاها جلوگیری کند.

■ فکر می‌کنید مهم‌ترین اقدامی که باید تاکنون انجام می‌شده و نشده است و حالا باید بیشتر از هر چیز روی آن تمرکز کنند، چیست؟

یکی از مشکلات ما این است که در سطح یک، پیشگیری قابل ملاحظه‌ای نداشته‌ایم. ما برای شادی و نشاط کودکان‌مان کوتاهی کرده‌ایم و پیشگیری نوع اول در اشتغال جوانان‌مان اتفاق نیفتاده است. در حالی‌که نقش بهزیستی در مهدهای کودک، آموزش و پرورش و صدا و سیما در این زمینه خیلی مهم است. ما باید کاری می‌کردیم تا فرزندان‌مان احترام ببینند، توانایی هایشان را باور کنند و اشتغال مناسب و مرتبط با شعور، تحصیل و توانایی‌هایشان داشته باشند. به هرحال جای خالی این عوامل حالا به چشم می‌آید و باید در کنار بهبود قوانین و برنامه‌های حمایتی به آنها هم توجه شود.

عکس: علی محمدی / ایران

خالی شدن پارک شوش موجب شد کارتن خواب‌ها به سمت پارک هرندی و کوچه‌های اطراف هجوم بیاورند و در عمل در جای دیگری تأثیر خودش را نشان داد. ببینید اتفاقی که در شوش افتاد، یک حرکت پیش‌بینی نشده بود، وقتی معتادان در چند پارک جمع می‌شوند، مشکلات دیگری هم به وجود می‌آید. بعد برخی گروه‌ها با اقدام‌های حساب نشده مثل حمایت‌های غذایی دلسوزانه بویژه در زمان‌هایی که هوا رو به سردی می‌رود، موجب می‌شوند تبعات دیگری هم ایجاد شود

جدول سودوکو ۲۱۲۷

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

	۸	۵				۹	۷	
		۹	۲		۳	۴		
	۱			۷			۸	
		۷	۹	۵	۱	۲		
		۳	۶	۴	۷	۸		
	۳			۲			۹	
		۱	۳		۸	۷		
	۲	۸				۶	۴	

متوسط

۳	۶						۴	۲
			۴			۸		۹
		۴			۲			
۹			۵					۳
۲				۸				۷
۶					۹			۸
			۶			۳		
۱		۶			۷			
۸	۳						۲	۴

سخت

۹					۲	۴		
		۲		۶				۱
			۹	۱		۵		
							۷	۸
۳			۴		۱			۲
۲	۶							
		۱		۸	۵			
۷				۴		۶		
		۳	۱					۹